

تفاوت نقش‌ها، نه برتری جنس‌ها

آیا مدیریت اقتصادی زن در خانواده و تبدیل شدن زن به یک مهره اقتصادی به نفع زن و خانواده اوست؟ آیا وجود زن برای رویارویی با سختی‌های جامعه ساخته شده است؟ آیا وظیفه سنگین تربیت فرزندان از عهده مرد برمی‌آید؟ اینکه زنی که همراه شوهر خود بیرون از محیط خانه و خانواده به کار مشغول می‌شود می‌تواند از عاطفه مادری‌اش به نواحی برای تربیت فرزندان استفاده کند؟

اسلام این سرپرستی را برای مرد قرار داده است و این سرپرستی که برای مرد قرار داده شده است به هیچ وجه به معنای برتری جنس مرد بر جنس زن نیست بلکه در آیه ۳۴ سوره نساء فرمود: **الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ تَفْضُلهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ**، قوام به چوبی می‌گویند که درخت را به آن تکیه می‌دهند، یعنی تکیه‌گاه. این همان چیزی است که زن در وجودش به دنبال آن است و در وجود مرد نهاده شده است. خلقت متفاوت زن و مرد این امر را ایجاب می‌کند که زن لطیف و ظریف که یک مربی مهربان است در دیواره خارجی ماشین خانواده قرار نگیرد بلکه زیبایی و آرامش داخلی آن را تأمین کند و این مرد است که استقامت بیشتری در خلقتش نهاده شده و باید آماج حوادث و سختی‌های بیرونی قرار گیرد و مسئولیت گرداندن چرخ خانواده را به عهده داشته باشد. نکته آخر آنکه قرآن می‌فرماید: **بِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ** معمولاً در خانواده این مرد است که کار می‌کند و خرج خانواده را به دست می‌آورد. انصاف آن است که در مواردی که نیاز به آن است که یک نفر حرف آخر را بزند، سخن او ملاک باشد.

حکمت

پناه بردن از دورویی به خدا

کاش روزی برسد که تعارف را حداقل با خودمان بگذاریم کنار. کاش روزی برسد که متوجه رفتارهای نفاق انگیز خودمان بشویم. کاش روزی متوجه نفاق‌های خفی بشویم. کاش روزی برسد که بدانیم در روایات ما آمده است: اگر خانواده مؤمن به میل او غذایی خورند، این از نشانه‌های نفاق است. کاش بدانیم خلف وعده، غیبت، خیانت در امانت، سخن چینی و دوپهم زنی، چاپلوسی، پرخوری، بیهوده‌گویی، بی‌تابی در گرفتاری‌ها، ادعاهای بوج، پر حرفی، کم‌کاری و مستخره‌کردن دینداران، همه از نشانه‌های نفاق است.

حال متوجه می‌شویم که چرا امیرالمؤمنین^(ع) در حکمت ۲۷۶ از این دورنگی‌ها به خدا پناه می‌برند: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُخَيِّرَنِي [تُخَيِّرَنِي] فِي لَامِعَةِ الْغُيُوبِ غَلَابِيَّتِي وَتَقْبِيحِ [تَقْبِيحِ] فِيمَا أَبْطَلُ لَكَ سِرِّيَّتِي، مُحَافِظًا عَلَيَّ رِثَاءِ [رِثَاءِ] النَّاسِ مِنْ نَفْسِي بِجَمِيعِ مَا أَنْتَ مُظْلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي، فَأُتِيذِي لِلنَّاسِ حُسْنَ ظَاهِرِي وَأَفْضِي إِلَيْكَ بِسُوءِ عَمَلِي، تَقَرُّبًا إِلَيَّ عِبَادِكَ وَتَبَاعُدًا مِنْ مَرْضَاكَ**. بار پروردگارا! به تو پناه می‌برم از اینکه ظاهرم را در چشم‌های نیکو جلوه دهی و باطنم را در پیشگاهت رشت سازی، (به تو پناه می‌برم از اینکه) بخواهم به وسیله اعمالی که تو از آن خوب آگاهی، خوش‌بینی و احترام مردم را برای خویش حفظ کنم. ظاهر خویم را برای مردم آشکار کنم و اعمال بدم را فقط تو بدانی، تا به بندگان نزدیک گردم و از رضا و خشنودی تو دور شوم. حال تازه متوجه می‌شوم که چرا فرمودند هربشب به حساب خود رسیدگی کنید.

حال متوجه می‌شوم که هربشب باید به چه چیزهایی از رفتار خود فکر کنیم و محاسبه اعمالم را انجام دهم که حضرت در خطبه ۹۰ فرمودند: **عِيَادَ اللَّهِ زُيُوتُوا أُنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُزَيُّتُوا، وَخَاسِبُوها مِنْ قَبْلِ أَنْ تُخَاسِبُوا، وَ تَنْفُسُوا قَبْلَ ضَيْقِ الْخِثَاقِ، وَانْقَادُوا قَبْلَ غُفِّ السَّيِّئَاتِ، وَاعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يَغْنِ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَاعِظٌ وَ زَاجِرٌ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا لَزَاجِرٌ وَلَا وَاعِظٌ**. بندگان خدا، پیش از آنکه به میزان حق سنجیده شوید خود را بسنجید و قبل از اینکه به حسابتان برسند خود را محاسبه کنید و نفس بزنید پیش از آنکه راه نفس بسته شود و مطیع خدا گردید قبل از آنکه شما را به اجبار به سوی آخرت برانند و بدانید آنکه با واعظ و منع کننده‌ای از بطن خویش او را یاری نداده‌اند واعظ و منع کننده‌ای از غیر خودش برای او نخواهد بود.

بردار و بخوان

سفری در شبکه رابطه‌های انسانی و الهی

در روزگاری که روابط انسانی و پیوند ما با جهان پیرامون پیچیده‌تر از همیشه شده، کتاب «رابطه‌ها»، نوشته‌ای استاد جواد محدثی تلاشی است روشن‌گرانه برای بازخوانی این ارتباطات و یافتن نسبت درست ما با هستی. این کتاب ۱۲۴ صفحه‌ای که تاکنون شش بار توسط انتشارات بوستان کتاب تجدید چاپ شده، تنها یک اثر اخلاقی یا تربیتی نیست؛ بلکه نوعی نقشه‌ی راه است برای سامان دادن به مهم‌ترین رابطه‌های زندگی، از عمیق‌ترین لایه‌های فردی تا گسترده‌ترین بسترهای اجتماعی و معنوی.

محدثی در این اثر، رابطه انسان با خود را نقطه آغاز می‌داند، جایی که شناخت، مراقبه و اصلاح درونی، بنیان همه ارتباطات دیگر است. سپس به رابطه ما با مردم می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه مهر، انصاف، احترام و حضور مسئولانه در جامعه، می‌تواند کیفیت زندگی و روح را ارتقا دهد. در ادامه، نویسنده نگاه خواننده را به سمت رابطه با خدا، قرآن، مسجد و نماز می‌برد؛ رابطه‌هایی که ستون‌های معنوی زندگی‌اند و اگر درست فهمیده شوند، آرامش و جهت‌دهی واقعی به انسان می‌بخشند.

بخش‌های دیگری از کتاب به کتاب و مطالعه، عناصر فرهنگ ساز، خانواده، خویشاوندان، فرزندان و جوانان اختصاص دارد؛ یعنی همان حوزه‌هایی که بیشترین اثر را بر شخصیت و سبک زندگی ما دارند. محدثی تلاش می‌کند زاویه دید خواننده را اصلاح کند تا رابطه‌ها نه بر اساس عادت و هیجان، بلکه بر پایه عقلانیت، محبت، مسئولیت و هدفمندی شکل بگیرند.

«رابطه‌ها» کتابی است ساده، روان و کاربردی؛ مناسب برای هر کسی که می‌خواهد بفهمد چگونه می‌توان از دل همین ارتباطات روزمره، به رشد، آرامش و کمال انسانی نزدیک‌تر شد.

گزارش

۱. تربیت، قبل از اینکه بدینام شروع می‌شود

خیلی‌ها فکر می‌کنند تربیت از زمانی شروع می‌شود که بچه حرف زدن را یاد بگیرد، اما در نگاه دینی، تربیت خیلی زودتر از این حرف‌ها آغاز می‌شود. انتخاب همسر خوب، خوردن روزی حلال و رعایت آداب در زندگی زنآشویی، مانند بذل سالمی است که در زمینی پاک کاشته می‌شود.

رسول خدا^(ص) در این زمینه می‌فرماید: برای نطفه‌های خود، همسر شایسته‌ای انتخاب کنید، زیرا کودکان، شبیه دایی‌ها و خاله‌های خودشان می‌شوند. این یعنی ویژگی‌های خانواده پدر و مادر بر فرزند تأثیر می‌گذارد.

بررسی ۶ اصل طلایی تربیت از نگاه اسلام

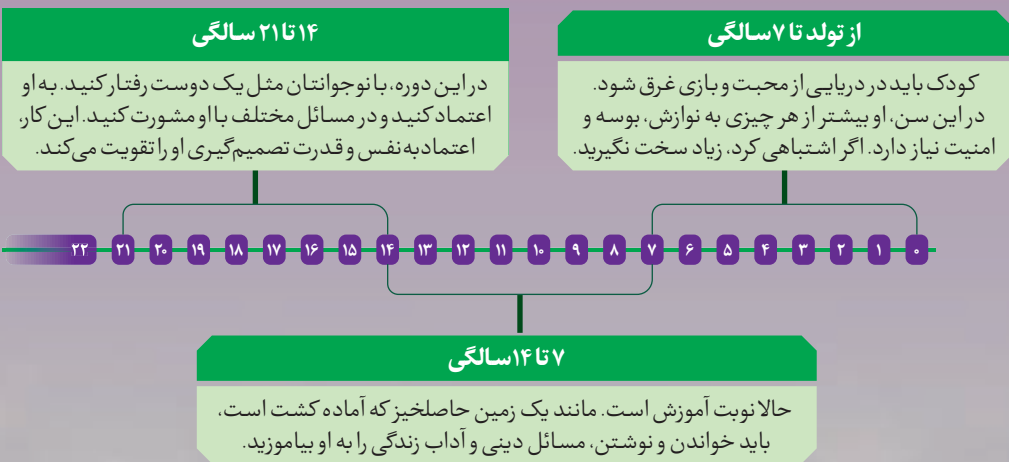
برای فرزندان باغبان باشید

سمانه رضوانی اما پدر و مادرها دوست داریم فرزندانمان راه سی ساله ما را یک‌شبه بروند، اما شدنی نیست و خیلی واضح است که این راه، اصولی دارد. مانند یک باغبان که برای رشد یک گل، به نور، آب و خاک خوب و البته صبر نیاز دارد. تربیت فرزند نیز قوانین خاص خودش را می‌طلبد. در این مسیر، چه چیزی بهتر از دین می‌تواند راهنما باشد؟ در این نوشتار، شش اصل طلایی تربیت را از نگاه اسلام باهم مرور می‌کنیم.



۲. یک نقشه راه کاربردی

حضرت رسول^(ص) یک برنامه بسیار روشن برای تربیت به ما داده‌اند. ایشان می‌فرمایند: فرزند در هفت سال اول زندگی، آقا و سرور شماست. در هفت سال دوم، خدمتگزار و مطیع شماست و در هفت سال سوم، وزیر و مشاور شما می‌شود. این یعنی:



۳. عدالت، ستون استحکام خانواده

یکی از بزرگ‌ترین اشتباه‌ها در تربیت، مقایسه کردن یا قهر و لطف بی‌دلیل بین فرزندان است. این کار مانند این است که به بعضی از گل‌های باغتان بیشتر آب بدهید و بقیه را تشنه بگذارید. امام صادق^(ع) به ما هشدار می‌دهند: عدالت را بین فرزندان مراعات کنید. همان‌طور که دوست دارید آن‌ها در نیکی و اظهار مهربانی بین شما به عدالت رفتار کنند. این عدالت فقط در دادن پول یا هدیه نیست، بلکه در نگاه محبت‌آمیز، حرف زدن و حتی بوسیدن هم باید رعایت شود. وقتی پدر و مادر عادل باشند، حسادت و کینه از دل بچه‌ها رخت برمی‌بندد و خانواده به یک پناهگاه امن تبدیل می‌شود.



۴. بهترین سرمایه زندگی

چه سرمایه‌ای بهتر از اینکه فرزندی با ادب داشته باشیم؟ پیا مبر^(ص) می‌فرماید: هیچ پدری، بهتر از ادب نیکو را به فرزندش هدیه نداده است. ادب، فقط «سلام کردن» و «تشکر کردن» نیست، یعنی راست‌گویی، خوش‌زبانی، احترام به بزرگ‌ترها و مسئولیت‌پذیری. این مهارت‌ها، همان چیزهایی هستند که نه تنها در خانه و مدرسه، بلکه در تمام طول زندگی، راه موفقیت را برای فرزندان هموار و او را در نظر همه، عزیز و محترم می‌کنند.



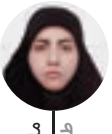
۵. بهترین الگوی فرزندان هستی

کودکان، بیشتر از آنچه که می‌شنوند، از آنچه که می‌بینند یاد می‌گیرند. اگر از فرزندان می‌خواهید راست‌گو باشد، خودتان باید در عمل راست‌گو باشید. اگر از نماز خواندن برایش می‌گویید، باید ببیند که شما به نماز اهمیت می‌دهید. امام صادق^(ع) یک توصیه طلایی دارند: مردم را با غیر زبان خود [به مذهب خویش] دعوت کنید. تا پارسایی و سخت‌کوشی [در عمل و عبادت] و نماز و خوبی را از شما ببینند زیرا این‌ها، خود [بهترین] مبلغ‌اند. این جمله یعنی بزرگ‌ترین درس‌ها، درس‌هایی هستند که در زندگی روزمره و با رفتارهای ساده خودمان به فرزندان می‌دهیم.



۶. دعا، پشتوانه ثمری تربیت

با همه این راهکارها، ما بدون کمک خدا نمی‌توانیم موفق شویم. شاید اینکه نسل جدید در تربیت فرزند دچار چالش‌های بیشتری شده این است که فقط نقش خود و علمشان را جدی گرفته‌اند و از نقش خدا در تربیت غافل شده‌اند دعا برای تربیت فرزند، پشتوانه‌ای معنوی است که هیچ چیزی جایگزین آن نمی‌شود. رسول خدا^(ص) به امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرماید چهار دعاست که رد نمی‌شود یکی از آن‌ها دعای پدر در حق فرزند است. در دعاهايمان از خدا بخواهيم که به ما کمک کند تا در تربیت فرزندمان موفق باشیم و خدا دل آن‌ها را به خوبی‌ها متمایل کند.



سپید و دانشجوی مطالعات زنان

معماری خانواده‌متعالی در قرآن

و پدری، مسئولیت‌های ویژه‌ای دارد و قوام خانواده در گرو تعامل عاطفی، اخلاقی و مسئولانه هر دو طرف است. اسلام تأکید می‌کند که خانواده باید بر پایه «مودت و رحمت» استوار باشد، نه بر اساس قوانین خشک حقوقی. در این منظومه، زن و مرد با حفظ هویت و کرامت ذاتی خویش، در مسیر رشد متقابل گام برمی‌دارند و خانواده را به محیطی امن و معنوی برای تربیت انسان‌های الهی تبدیل می‌کنند. در قلب خانواده از منظر قرآن، مفهومی عمیق‌تر از یک قرارداد حقوقی ساده نهفته است، مفهومی به نام «مودت و رحمت» (محبت) پایدار و جلوه‌های مهربانی. این دو کلیدواژه، اساس رابطه زن و مرد را تشکیل می‌دهند و نقش‌های آن‌ها را از حالت تکلیف‌محور صرف، به یک پیوند عاطفی و معنوی ارتقا می‌دهند. مودت (محبت پایدار)، این فراتر از یک علاقه

زودگذر است. مودت به معنای ایجاد یک دوستی عمیق و ریشه‌دار بین زن و شوهر است. در این فضا، مرد تنها «نان آور» نیست، بلکه همان‌طور که نیاز طبیعی یک زن ایجاب می‌کند، «پناهگاه عاطفی» همسرش است. زن نیز تنها «مدیر خانه» نیست، بلکه «مایه آرامش و انس» شوهرش است (و مِنْ آیَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا). نقش‌ها بر اساس این محبت متقابل تعریف می‌شود؛ مرد برای جلب رضایت همسرش تلاش می‌کند و زن برای ایجاد محیطی پر از مهر و محبت برای شوهرش می‌کوشد. رحمت، این مفهوم، چتر حمایتی است که بر سر تمامی اتفاقات خانواده سایه می‌افکند. رحمت یعنی به عنوان یکی از مهم‌ترین نکات زندگی، هر یک از زن و شوهر در رویارویی با خطاها و کاستی‌های

همسرش، گذشت و بزرگواری پیشه کند. به معنای آن است که زن در شرایط سختی و فشار بر شوهرش، با شکیبایی و حمایت عاطفی خود، پناهگاه او باشد. این مهربانی و تقابل، فضای خانواده را از حسابگری برای رشد و اصلاح و آرامش تبدیل می‌کند. در این الگو، قوامیت مرد که در قرآن ذکر شده است، نه یک امتیاز برای سلطه، بلکه مسئولیتی در سایه مودت و رحمت تفسیر می‌شود. مانند سرپرستی یک باغبان که مسئولیت حفظ و رشد گل‌ها را بر عهده دارد، نه تسلط بر آن‌ها. در مقابل، نقش محوری زن در خانواده نیز نه یک محدودیت، بلکه مهر خود، حیات و معنا بخشی را در کانون خانواده جاری می‌کند. پس خانواده‌آرامانی در اسلام، جایی است که زن و مرد، یکدیگر را در سایه مودت و رحمت کامل می‌کنند و نقش‌هایشان نه برای رقابت، بلکه برای همکاری و رسیدن به مقام «انسان کریمه» طراحی شده است.

درنگ